

کتاب

در سوگ فریدون و در جشن منوچهر

بازگشت آرامش به خاک ایران زمین

در قسمت قبلی که به شماره ۳۴ برمی‌گردد نسبت به تبعیض و حذف بخش شاهنامه خوانی اعتراض کردم و انتقادات تند و تیزی را هم نسبت به شخص دبیر گروه کتاب بیان داشتم. اما اکنون با تمام وجود به اشتباه خود پی برده‌ام و نیک می‌دانم که عجب اشتباهی کردم و اصلاً مگر عادل تراز جناب دبیر هم داریم. حالا شما ممکن است فکر کنید که چون شش هفته پیاپی ما را از تمام صفحات بیرون انداختند چنین نامه توبه و عذرخواهی ای نوشته‌ایم، اما خیر! حاشا و کلا. من فقط به این دلیل این متن را می‌نویسم که از دبیر عزیزم عذرخواهی کنم و هیچ نیتی جز این ندارم، البته مگر بد است که آدم هر هفته ستون خودش را داشته باشد؟ حالا بگذاریم که می‌ترسم باز چیزی بنویسیم و این بار ۱۰ هفته از همراهی شما محروم شویم.

به اینجا رسیده بودیم که منوچهر به انتقام پدر بزرگش ایرج و برای آرام کردن دل جد خود فریدون به مبارزه سلم و تور رفت و آنان را به معنی دقیق کلمه ذبح کرد و سرشان را با نام پیروزی برای فریدون فرستاد و این چنین بود که انتقام حرکت ناجوانمردانه و ایضاً ابلهانه سلم و تور پایان پذیرفت و ایرانیان نفسی به آسودگی کشیدند تا دیگر کسی نباشد که به خود اجازه دهد به فرزندان ایران دست درازی کند. البته اگر راستش را بخواهم بگویم فریدون گرچه بابت این پیروزی به نبیره خودش افتخار می‌کرد

اما همزمان غمگین‌ترین ایرانی هم بود زیرا که تمام پسرانش کشته شده بودند، یکی توسط دوبرادر دیگر و دو تای دیگر به انتقام اولی... او فکر می‌کرد که با تقسیم قلمرواش بین سه فرزند، برای مردمان زمین پیروزی و نیکبختی می‌آورد و نتیجه کارش شد جنگ و خونریزی و برادرکشی. چندی گذشت تا اینکه بالاخره سرانجام فریدون فراسید، او زمین و مافیها را به حال خودش گذاشت و بند و بساط را جمع کرد و به سمت سرای آخرت به راه افتاد. اوراد در دخمه‌ای دفن

کردند و منوچهر یک هفته به مزار او نشست و اشک ریخت و غصه خورد. پس از پایان مراسم عزاداری منوچهر بر تخت می‌نشیند و از هنرهای خویش و فره ایزدی سخن می‌راند. سپس گوشزد می‌کند با اینکه قدر قدرت جهان است و اصلاً کسی در حد او نیست اما او تنها بنده‌ای است از بندگان ایزد منان و کمر به اجرای فرامین خداوند بسته است و هدفش این است که عدل و داد و نیکی را در سراسر قلمرواش بگستراند. در ادامه سام به پا می‌خیزد و به منوچهر می‌گوید که او سهم

خودش در جنگاوری و انتقام و اجرای عدالت در ماجرای ایرج را انجام داده است و دیگر بر اوست که در آرامش به پادشاهی خود برسد و کشورگشایی و مبارزه با دشمنان را به او و دیگر پهلوانان ایرانی بسپارد. منوچهر هم از او تشکر می‌کند و چک سفید امضایی بابت هدیه به او می‌دهد. چون بزودی زال به دنیا خواهد آمد و ماجرا نیاز به طول و تفصیل دارد این قسمت را با ذکر این نکته به پایان می‌بریم که اگر مدت دوش گرفتن خود را به زیر ۵ دقیقه برسانیم ماهانه ۴۰۰۰ لیتر آب صرفه جویی کرده‌ایم!

نکته‌ای برای مترجمان تازه‌کار

حرف the را ترجمه کنید!

The

فاطمه منصوری نصرآباد
مترجم

حرف تعریف معین the یکی از پرکاربردترین کلمات در جملات انگلیسی است و در عین ساده بودن برخی از مترجم‌ها حین کار آن را اشتباه ترجمه می‌کنند. از آنجایی که در زبان فارسی معادل دقیقی برای این کلمه نیست به اکثر زبان آموزها و مترجم‌ها گفته شده که نیازی نیست دنبال معادل باشند و نباید آن را ترجمه کنند. این عقیده کاملاً اشتباه نیست؛ چون خیلی وقت‌ها در زبان فارسی به جای حروف تعریف معین و نامعین از اادات معرفه‌ساز و نکره‌ساز استفاده می‌شود.

جمله «-Please write the content for us before the end of the day.» را در نظر بگیرید. در حالت عامیانه و با فرض اینکه گوینده و شنونده قبلاً با یکدیگر درباره آن صحبت کرده بودند به این شکل ترجمه می‌شود: «مطلب رو تا امشب تحویلمون بده خواهشاً.»

کرد؛ بنابراین می‌شود برای جمله بالا معادل «کتاب موردنظر» یا مثل «مزبور (فقط برای انسان)»، «مذکور»، «زیر»، «یاد شده»، «فوق‌الذکر»، «موردنظر»، «اشاره شده»، «فوق»، «ذیل»، «نام‌برده»، «مشازالیه»، «ذکر شده» و... (هم برای انسان هم غیرانسان کاربرد دارد) استفاده

یکی از روش‌های معرفی ساختن در فارسی نبود نشانه است. مثلاً «the book» باید فقط به شکل «کتاب» ترجمه شود. (در زبان فارسی اگر بخواهیم کلیت یک موضوع را به شکل نکره عنوان کنیم نیز کلمه هیچ علامتی ندارد.) اما مترجم‌ها گاهی فراموش می‌کنند که صفت‌های اشاره «این» و «آن» هم جزو اادات معرفه‌ساز به شمار می‌روند و نیاز است از این دو صفت اشاره هم در متون خود استفاده کنند. در جمله‌ای مثل «I bought the books she recommended to me» می‌توان معادل «آن کتاب‌هایی را که به من پیشنهاد داده بود خریدم» را استفاده کرد. در همین مثال می‌شود نکته دیگری را هم ذکر کرد. نشانه مفعول «را» در فارسی یکی از روش‌های معرفه‌سازی است و گاهی اوقات که مترجم نمی‌خواهد از صفات اشاره استفاده کند می‌تواند جمله را با استفاده از یک نشانه «را» ترجمه کند. اما این مورد بیشتر برای متن‌های عمومی و گاهی ادبی به کار می‌رود و همیشه سبک و لحن متن به این شکل نیست. اگر متنی فلسفی و مشابه آن

یادداشت دبیر

ارتباط فرانسوی

ذره‌بینی روی
ادبیات اعتراضی در فرانسه

محمدعلی یزدانبار

دبیرکتاب

Mohammadyazdanbar@gmail.com

در این شماره در مورد فرانسه و ماجراهایش زیاد حرف زدیم، هم در مورد جان شفیفته اثر سترگ رومن رولان نوشته‌ایم و هم در مورد کتاب‌های اعتراضی و اجتماعی در فرانسه. به نظر من برای تحلیل تمام جنبش‌های اجتماعی، از خشونت پرهیز و خشونت‌گرا گرفته تا مبارزات چریکی و حتی تروریستی باید به پیوست فرهنگی-ادبی آن جنبش توجه زیادی کرد. اینکه برای معتقدین به یک حرکت اجتماعی خاص، چه کتاب‌هایی و در چه زمینه‌هایی مهم هستند و تفسیر و برداشت اعضای آن جنبش از متنی که مطالعه می‌کنند، چیست؟ برای ما که در خاورمیانه زندگی می‌کنیم و عمدتاً مسلمانیم، موضوع فهم از متون، یک مشکل ریشه‌دار و تاریخی است. آخرین نمونه بزرگ آن در همین خطه آشوب‌خیز «داعش» و برداشت اعوجاج یافته، مغشوش و هذیانی آن از «قرآن» بوده است. اینکه گروهی مسلمان، با استناد به قرآن بتوانند تا خود «کفر» پیش ببرند، به روشنی بیانگر این است که برداشت افراد از متون می‌تواند در حد تغییر آینده تمام نسل بشر مفید یا خطرناک باشد. به همین دلیل تصمیم گرفتیم که در این شماره نگاهی بیندازیم به کتاب‌هایی که طی ۱۵۰ سال اخیر در فرانسه و در حوزه مربوط به اعتراض سرور صد کرده‌اند و طرفدار زیاد دارند.

فرانسوی‌ها بدون شک معترض‌ترین مردمان تاریخ مدرن هستند، برای آنها حق اعتراض چنان مقدس است که گاهی اعتراضاتشان سال‌ها طول کشیده است. اعتراضات مه ۱۹۶۸ در فرانسه، جنبش جلیقه‌زده‌ها، معترضان به قانون جدید باننشستگی و معترضان به کشته شدن نوجوان فرانسوی همگی مدت‌ها دولت فرانسه را درگیر خود کرده‌اند. اما آنها، فرانسوی‌ها را عرض می‌کنم، چه می‌خوانند؟ کدام محتوای متنی و در چه زمینه‌ای روی نگاه آنها به اجتماع تأثیر می‌گذارد؟ برداشت آنها از متونی که می‌خوانند چیست و اساساً کتاب‌ها چقدر در جنبش‌های فرانسوی تأثیر داشته‌اند؟ ضمناً دلایلی که باعث دیده شدن یک کتاب در حوزه اجتماعی و دیده نشدن یکی دیگری می‌شود چه هستند؟ اینها سؤالاتی است که برای ما ایجاد شده است. در این شماره سعی کردیم به بخشی از این سؤالات پاسخ بدهیم و اگر همه چیز خوب و مناسب پیش برود، دوباره به این موضوع خواهیم پرداخت. همکار پرتلاش بنده، خانم فائزه آشتیانی زحمت تحقیق و نگارش متن ما در مورد کتاب‌های اعتراضی فرانسه را کشیده‌اند. نکته مهم اینکه ایشان ساکن فرانسه هستند و گزارش‌شان در این موضوع یک گزارش دست‌اول محسوب می‌شود. آخرین نکته هم اینکه از شما خواهش می‌کنم با ارائه بازخورد، ما را در زمینه تولید محتوایی که همزمان با کیفیت و مورد پسند شما باشد یاری کنید. متشکرم!



فرانسوی‌ها چه می‌خوانند؟ کدام محتوای متنی و در چه زمینه‌ای روی نگاه آنها به اجتماع تأثیر می‌گذارد؟ برداشت آنها از متونی که می‌خوانند چیست و اساساً کتاب‌ها چقدر در جنبش‌های فرانسوی تأثیر داشته‌اند؟ ضمناً دلایلی که باعث دیده شدن یک کتاب در حوزه اجتماعی و دیده نشدن یکی دیگر می‌شود، چه هستند؟



فریدون گرچه بابت این پیروزی به نبیره خودش افتخار می‌کرد اما همزمان غمگین‌ترین ایرانی هم بود زیرا که تمام پسرانش کشته شده بودند، یکی توسط دو برادر دیگر و دو تای دیگر به انتقام اولی... او فکر می‌کرد که با تقسیم قلمرواش بین سه فرزند، برای مردمان زمین پیروزی و نیکبختی می‌آورد و نتیجه کارش شد جنگ و...



مترجم‌ها گاهی فراموش می‌کنند که صفت‌های اشاره «این» و «آن» هم جزو اادات معرفه‌ساز به شمار می‌روند و نیاز است از این دو صفت اشاره هم در ترجمه متون خود استفاده کنند